

اعتقاد یا عدم اعتقاد به آخرت چه تاثیری بر سبک زندگی ما دارد؟

آثار و فواید اعتقاد به آخرت در اصلاح سبک زندگی

چه قدر در طول روز به مرگ فکر می‌کنید؟

چندبار در سال به قبرستان سر می‌زنید؟

در مورد حیات پس از مرگ چه تصویری دارید؟

اعتقاد به آخرت در زندگی شما چه جایگاهی دارد؟

آیا برای یک سفر ابدی و همیشگی، به اندازه کافی آماده هستید؟

اگر از افراد مختلف بپرسیم، مهم‌ترین دوره زندگی انسان کدام است، با پاسخ‌های گوناگونی مواجه می‌شویم. عده‌ای هفت سال اول، بعضی دوران جوانی و تعدادی هم ایام میان‌سالی و پختگی را مهم‌ترین دوره زندگی انسان می‌دانند. در این میان، کمتر کسی هست که به حیات پس از مرگ اشاره کند؛ چون متأسفانه اغلب ما این دوران را جزء حیات خود به حساب نمی‌آوریم.

مراحل حیات ما یک زنجیره به هم پیوسته است که از عوالم قبل از دنیا شروع شده و در عالم دنیا و پس از آن، در جهان آخرت ادامه پیدا می‌کند. از آن جا که ما موجوداتی جاودانه و ابدی هستیم، اصلی‌ترین و طولانی‌ترین مرحله زندگی ما را حیات اخروی تشکیل می‌دهد؛ حتی شاید واژه «طولانی» هم لفظ مناسبی برای توصیف آخرت نباشد، چون هر مسیری هر قدر هم طولانی باشد، بالأخره در یک نقطه به انتها می‌رسد. اما زندگی ما در جهان پس از مرگ اصلاً انتها ندارد.

آخرت یک امر اعتباری نیست، بلکه یک عالم کاملاً حقیقی است که محیط بر دنیا است و همین حالا هم ما و دنیای اطرافمان را احاطه کرده؛ بنابراین اعتقاد یا عدم اعتقاد به آخرت حقیقت آن را تغییر نمی‌دهد.

همه ما چند صباح دیگر به آن جهان ورود پیدا می‌کنیم و اگر آمادگی‌های لازم برای زندگی در آن جا را در خودمان ایجاد نکرده باشیم، به تناسب عدم آمادگی‌مان، محکوم به عذابیم.

آخرت چه جور جایی است؟

همیشه وقتی صحبت از بهشت و نعمت‌های آن می‌شود، عده‌ای زیبایی‌ها و جذابیت‌های دنیا را مثال می‌زنند و به کنایه می‌گویند؛ هرچه در بهشت هست روی زمین هم هست، بنابراین ما دیوانه نیستیم که نقد دنیا را به امید نسیه آخرت رها کنیم! این نوع نگاه بسیار سطحی و ناشی از عدم شناخت آخرت است. ما به علت شناخت ناقص‌مان از هستی، گمان می‌کنیم که پس از مرگ وارد عالمی می‌شویم که بسیار شبیه دنیاست و همین سبک زندگی‌ای که این‌جا داریم، آن‌جا هم می‌توانیم داشته باشیم.

چنین تصویری درباره آخرت و بهشت وهم است. در بهشت از آن‌چه در دنیا هست چیزی وجود ندارد، فقط

نام پدیده‌ها شبیه نام‌های دنیوی آن‌هاست.^۱ به‌طور مثال، در بهشت هم خانه هست، اما خانه‌های بهشتی

با خانه‌های دنیوی اصلاً قابل قیاس نیستند؛ اهل بهشت هم غذا می‌خورند، اما غذاهای دنیا کجا و طعام‌های بهشتی کجا... در بهشت همه‌چیز میلیاردها برابر پیشرفته‌تر، زیباتر و متنوع‌تر از دنیاست. مقیاس «میلیاردها برابر» از روی تعارف و اغراق بیان نمی‌شود، بلکه واقعاً چنین نسبتی بین دنیا و آخرت وجود دارد؛ درست مثل نسبتی که بین رحم مادر و دنیا وجود دارد.

فضای رحم یک فضای بسیار تنگ، تاریک و محدود است و جنین درون رحم، هیچ درکی از نور، طبیعت، دریا، آسمان و بسیاری از پدیده‌هایی که ما آن‌ها را از جذابیت‌ها و نعمت‌های دنیوی می‌دانیم ندارد. دنیا ملکوت و عالم غیب جنین است و تا زمانی که جنین متولد نشود، نمی‌تواند عظمت دنیا را ببیند و درک کند؛ در نتیجه‌اگر قادر به تکلم باشد، بعید نیست وجود دنیا را انکار کند و بگوید چون نمی‌توانم دنیا را ببینم،

نهج‌الفصاحه، ص ۶۶۲^۱

پس دنیایی وجود ندارد! اما اعتقاد یا عدم اعتقاد جنین به دنیا، حقیقت وجود دنیا را زیر سؤال نمی‌برد. جنین به وجود دنیا ایمان داشته باشد یا نه، خودش را برای زندگی در دنیا آماده کرده باشد یا نه، به هر حال متولد می‌شود و اگر لوازم مورد نیاز برای شرایط زیستی دنیا را با خودش نیاورده باشد، تازه اول مصیبت اوست. تولد ما به جهان آخرت هم دقیقاً همین‌طور است.

جهان آخرت، ملکوت و عالم غیب دنیاست و تا زمانی که ما در حجاب دنیا قرار داریم، آخرت برایمان قابل رؤیت نیست، اما به محض این‌که از این دنیا خارج می‌شویم، پرده‌ها کنار می‌رود و بسیاری از حقایق آن عالم آشکار می‌شود. لذا اگر خداوند از واژه‌هایی مثل نور، درخت، میوه، شراب، حور، قصر، جواهرات، لباس و هر اسم دیگری برای توصیف نعمت‌های بهشتی استفاده می‌کند، می‌خواهد آن را به ذهن زمینی و محدود ما نزدیک و برایمان قابل فهم کند؛ وگرنه همان‌طور که گفتیم، هیچ‌چیز در بهشت و جهنم شبیه دنیا نیست. همه نعمت‌ها و عذاب‌هایی که در دنیا مشاهده می‌کنیم یک نسخه تنزل یافته از نسخه اصلی است که متناسب با حیات دنیا که یک حیات پست است، آفریده شده و خزانه اصلی همه چیز نزد خداست.^۲ ممکن است عده‌ای بگویند ایمان آوردن به چیزی که نمی‌بینیم سخت است، اما نکته اینجاست که درک عالم غیب با توجه به نشانه‌های آن کار سختی نیست؛ مسئله اینجاست که ما به دیدن ملموسات عادت کرده و قادر به دیدن ملکوت اشیاء نیستیم، پس اولین قدم در این مسیر تغییر درست زاویه دیدمان است

اثر اعتقاد به آخرت بر اصلاح سبک زندگی

طبیعتاً اعتقاد به آخرت و حیات پس از مرگ کمی تکان‌دهنده و مسئولیت‌آور است. کسی که چنین باوری داشته باشد، دیگر نمی‌تواند هر جور دلش می‌خواهد زندگی کند؛ چون می‌داند تک‌تک انتخاب‌ها، ارتباطات،

سوره حجر، آیه ۲۱^۲

رفتارها و افکارش بر کیفیت زندگی‌اش در جهان پس از مرگ اثرگذار است. به همین دلیل، بعضی افراد تلاش می‌کنند با انکار کردن یا به فراموشی سپردن حیات پس از مرگ، بر ترس‌های خود در این‌باره غلبه کنند. آن‌ها با همین تفکر افق دید خود را محدود و همه‌همت‌شان را صرف آباد کردن دنیایی می‌کنند، که از اساس برای فنا خلق شده و انتظار دارند، چیزی که خودش فانی است، به آن‌ها لذت باقی بدهد! اگر با چنین افرادی از نزدیک معاشرت کرده باشید، خیلی زود متوجه می‌شوید که با وجود برخی موفقیت‌های ظاهری‌شان، از درون بسیار مضطرب و ناآرام‌اند. چون به چیزهایی دل بسته‌اند، که هر لحظه امکان فنا شدن و از بین رفتن‌شان وجود دارد. حال این‌گونه افراد، مانند کسی است که قصری مجلل را روی گسل زلزله بنا کرده باشد؛ یا به قول مولانا، خانه‌اش را در زمینی ساخته باشد که متعلق به خودش نیست.^۳

برخلاف [جهان‌بینی مدرن](#) که آدم‌ها را به فراموشی مرگ و لذت بردن از لحظه‌ی حال دعوت می‌کند، جهان‌بینی اسلامی افق دید افراد را تا بی‌نهایت گسترش می‌دهد و بدین وسیله، همه‌دلوپسی‌ها و نگرانی‌های آنان را از بین می‌برد. به همین دلیل مؤمنان همیشه شاد و آرام‌اند و این آرامش و شادی، محصول مستقیم اعتقاد به آخرت و مرگ‌اندیشی است.

اعتقاد به آخرت و توجه مستمر و دائمی به حیات پس از مرگ، آثار بی‌نظیر و فوق‌العاده‌ای در زندگی افراد بر جای می‌گذارد؛ آثاری که به جرأت می‌توان گفت از هیچ طریق دیگری به‌جز این راه به دست نمی‌آیند. البته به شرطی که این اعتقاد از مرحله‌ی تصدیق عقلی و زبانی عبور کرده و به مرحله‌ی تصدیق قلبی رسیده باشد، زیرا تا قلب حقیقتی را نپذیرد، آثار و فواید آن آشکار نمی‌شود.

اعتقاد به آخرت تک‌تک انتخاب‌ها، ارتباطات، رفتارها و افکار ما را متناسب با حیات جاودانه و ابدی‌مان تنظیم می‌کند و این مهم‌ترین اثر آن است. در درس‌های بعدی در مورد آثار و فواید مرگ‌اندیشی و اعتقاد به آخرت بیشتر صحبت خواهیم کرد.

در زمین مردمان خانه مکن؛ کار خود کن کار بیگانه مکن/ کیست بیگانه؟ تن خاکی تو؛ کز برای اوست غمناکی تو. (مثنوی معنوی، دفتر دوم)^۳